



The Contribution of Al-Tabari's Historiography to the Development of Biased Perceptions: A Case Study on the Prophet Muhammad's relying on Violence in the Islamic Da'wah

Leila Najafian Razavi¹, Yasaman Yari²

¹ Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. najafian@um.ac.ir

² PhD., Department of Islamic History, University of Tehran, Tehran, Iran (**Corresponding author**). yari_yasaman@yahoo.com

Abstract

Alongside the meticulous recording of Qur'anic verses, the life and conduct of Prophet Muhammad (PBUH), as a religious model for Muslims, attracted significant attention from early Islamic scholars and writers, to the extent that even the Prophet's gaze or facial expressions during specific events were carefully documented. This meticulous attention laid the foundation for Islamic historiography, which emerged as one of the earliest sciences in Islamic civilization and significantly influenced the development of various perceptions about the Prophet in later periods some of which, whether intentionally or unintentionally, presented a biased portrayal of his life. Among these perceptions is the image of Islam as a religion spread by the sword, a notion that has been perpetuated over time. A major part of this skewed portrayal originates from the way early Islamic authors, particularly in their treatment of the Prophet's military campaigns, emphasized violence in the Prophet's methods of expanding Islam, while others—due to either academic shortcomings or lack of critical perspective—reproduced these narratives. This trend was further reinforced in post-18th century orientalist writings, where references to Islamic sources lent a pseudo-academic legitimacy to these biases. Central to this process is Muhammad ibn Jarir al-Tabari (d. 923 CE) and his seminal work *Tārīkh al-Umam wa al-Mulūk* (commonly known as *Tārīkh al-Ṭabarī*), which holds an indispensable position in Islamic historiography, particularly due to its preservation of otherwise lost earlier sources and its comprehensive inclusion of sources. The Prophet's reliance on violence in subsequent historical texts has rendered it highly influential in shaping prevailing perceptions of the Prophet's life and the nature of the early Islamic state.

Cite this article: Najafian Razavi, L. & Yari, Y. (2025). The Contribution of Al-Tabari's Historiography to the Development of Biased Perceptions: A Case Study on the Prophet Muhammad's relying on Violence in the Propagation of Islam. *History of Islam*, 26(2), p. 31-52. <https://doi.org/10.22081/HIQ.2023.63728.2253>

Received: 5 January 2025

Received in revised form: 17 March 2025

Accepted: 30 April 2025

Available online: 1 July 2025

Type of article: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University

<https://pwq.bou.ac.ir/>

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights



perceptions is the notion that the Prophet predominantly employed violence in spreading Islam. This study seeks to assess the extent to which violence was highlighted in Ṭabarī's portrayal of the Prophet, in contrast to his other peaceful methods such as preaching, education, treaty-making, and trust-building. By defining independent variables for both peaceful and forceful methods—such as verbal invitation, kind behavior toward opponents versus conflict, threats, war, assassination, exile, execution of captives, and retaliation—the study is able to show that in his historical narrative, Ṭabarī amplifies acts of violence, while relegating the Prophet's peaceful strategies to the margins.

Keywords: biased perception, violence, Tārīkh al-Umam wa al-Mulūk, Mohammad ibn Jarir al-Tabari, Tabarī's historiography.



مساهمة تاريخ الطبري في نشأة الأيديولوجيات المتحيزة: دراسة حالة لاستخدام النبي(ص) العنف لنشر الإسلام

ليلا نجفیان رضوي^١، ياسمن ياري^٢

^١ قسم التاريخ، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة فردوسي مشهد، مشهد، إيران. najafian@um.ac.ir
^٢ الدكتوراه، قسم تاريخ الإسلام، جامعة طهران، طهران، إيران (الكاتبة المسؤولة). yari_yasaman@yahoo.com

الملخص

إلى جانب الاهتمام الخاص بتسجيل آيات القرآن الكريم بدقة، فإن حياة وشخصية النبي محمد(ص) كقدوة دينية للمسلمين كانت أيضاً محط اهتمام العلماء والكتاب في القرون الأولى للإسلام، لدرجة أن اتجاه نظر النبي(ص) أو لون وجهه عند مواجهة حدث ما لم يفلت من أعين المسلمين الناقبة والمتحمسة، وتم تسجيلها بسرعة في النصوص التاريخية. وهكذا تشكل علم التاريخ الإسلامي من هذا الاهتمام، فأصبح من أوائل العلوم التي نشأت في الثقافة والحضارة الإسلامية، وكان له أثر كبير في تكوين الأفكار التي تشكلت حول نبي الإسلام(ص) في العصور اللاحقة. هذه الأفكار، أحياناً عن قصد أو غير قصد، تُقدم صورة خاطئة عن شخصية رسول الله(ص) من خلال مواقف متحيزة. ويعود جزء من هذا التصور الخاطئ إلى جهود النبي محمد(ص) في نشر الإسلام، وظهور فكرة الإسلام كدين بحد السيف وتبليورها في العصور اللاحقة. إن جزءاً كبيراً من عملية إنتاج هذه الصورة، مع الأهمية التي أولاها كتاب القرون الأولى للإسلام لغزوات الرسول الكريم(ص)، كان يركز على سيرة الرسول(ص)، والجزء الآخر أعاد إنتاجه من تأثر بهذه المصادر، إما عمداً أو خطأ، بسبب نقص المعرفة العلمية أو المنهج النقدي. بعد القرن الثامن عشر، ومع ادعاء علمية النصوص بالاستناد إلى المصادر الإسلامية، اتخذ هذا التوجه طابعاً أكاديمياً ظاهرياً، واكتسب قوة خطائية أكبر. والسؤال الذي تطرحه هذه الدراسة هو: هل أوجدت المصادر الإسلامية قدرة تُغذي هذا الموقف المتحيز؟ وفي الوقت نفسه، لعب محمد بن جرير الطبري (٢١٨-٣٠١هـ) وكتابه العظيم "تاريخ الأمم والملوك" المعروف أيضاً باسم "تاريخ الطبري" دوراً لا يمكن إنكاره في التاريخ الإسلامي، لأن الدراسة التحليلية لحياة النبي(ص) لا تكتمل إلا بالاستعانة بتاريخ الطبري والنظر فيه، وعلى وجه الخصوص فإن تاريخ الطبري قد حفظ عدداً من المصادر القيمة التي فقدت قبله، ويعكس جانباً لا يمكن إنكاره من المعلومات التي كانت متوفرة عن النبي(ص) حتى عصره. يُعتبر تاريخ الطبري من أشمل مصادر التاريخ الإسلامي المبكر، إذ يُحاول عرض معظم الروايات المحيطة بحدث ما. وقد أدى هذا الموقف إلى أن يلعب تاريخ الطبري دوراً مؤثراً في النصوص اللاحقة، وساهم بشكل كبير في صياغة الأفكار التي ظهرت حول نبي الإسلام(ص). أفكار تناقلتها فرق مختلفة عبر التاريخ، وانعكس بعضها في نصوص المستشرقين. ومن أهم الأفكار المتحيزة عن النبي(ص) منهجه في نشر الإسلام. هدفت الدراسة الحالية إلى دراسة مدى إبراز العنف كوسيلة استخدمها الرسول(ص) لنشر

استناداً إلى هذه المقالة: نجفیان رضوي، ليلا؛ ياري، ياسمن (٢٠٢٥). مساهمة تاريخ الطبري في نشأة الأيديولوجيات المتحيزة: دراسة حالة لاستخدام النبي(ص) العنف لنشر الإسلام. تاريخ الإسلام، ٢٦(٢)، ص ٣١-٥٢. <https://doi.org/10.22081/HIQ.2023.63728.2253>

<https://pwq.bou.ac.ir/>

الناشر: جامعة باقر العلوم(ع)

نوع المقالة: بحثية



الإسلام وتهميش وسائله الأخرى كالدعاية والتعليم والمعاهدات وكسب الثقة. في هذه الدراسة، حددت متغيرات مستقلة للأساليب السلمية والأساليب الصارمة. واعتُبرت الدعوة والدعوة إلى الكلمة وحسن معاملة الخصوم من أوائل أساليبهم السلمية لنشر الإسلام، وفي قسم الأساليب الصارمة، حددت أمور مثل الصراع والتهديد والحرب والإرهاب والنفي وقتل الأسرى والانتقام، دون دراسة وثائقية أو مضمون. وهذا على الرغم من نتائج هذا البحث التي تظهر أن تاريخ الطبري يسلط الضوء بشكل كبير على الحرب والإرهاب والصراع والعنف في حياته، وأن الدعوة والتعليم والدعاية مهمشة بشكل كبير.

الكلمات المفتاحية: النظرة المتحيزة، العنف، كتاب "تاريخ الأمم والملوك"، محمد بن جرير الطبري، تاريخ الطبري.



سهم تاریخ نگاری طبری در ایجاد انگاره‌های مغرضانه؛ مطالعه موردی استفاده رسول خدا(ص) از خشونت برای گسترش اسلام

لیلا نجفیان رضوی^۱، یاسمن یاری^۲

^۱ گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. najafian@um.ac.ir
^۲ دکتری، گروه تاریخ اسلام، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). yari_yasaman@yahoo.com

چکیده

در کنار توجه خاص به ثبت دقیق آیات قرآن، زندگانی و سیره حضرت محمد(ص) نیز به عنوان الگوی دینی مسلمانان، مورد توجه دانشمندان و نویسندگان سده‌های نخست اسلامی قرار گرفته است، به گونه‌ای که حتی مسیر نگاه حضرت رسول(ص) و یا رنگ صورت ایشان به هنگام مواجهه با یک واقعه، از چشم تیزبین و مشتاق مسلمانان دور نمانده و سریع در متون تاریخی ثبت می‌شود. به این ترتیب تاریخ نگاری اسلامی از دل این توجه شکل گرفت و به یکی از نخستین علوم ایجاد شده در فرهنگ و تمدن اسلامی بدل شده و تأثیر شایان توجهی بر ایجاد انگاره‌هایی گذاشت که درباره پیامبر اسلام(ص) در دوره‌های بعدی ساخته شد. انگاره‌هایی که گاهی خواسته یا ناخواسته با ایستارهای مغرضانه، تصویری ناصواب از سیره رسول خدا(ص) ارائه می‌دهند. بخشی از این بازتاب نادرست به شکل تلاش حضرت محمد(ص) برای گسترش اسلام بازمی‌گردد و انگاره اسلام دین شمشیر، در اعصار بعدی بروز و ظهور می‌یابد. بخش زیادی از فرایند تولید این تصویر، با اهمیتی که نویسندگان سده‌های نخستین اسلامی به غزوات رسول اکرم(ص) دادند، در سیره پیامبر(ص) برجسته سازی شد و بخش دیگر را کسانی بازتولید کردند که به عمد یا اشتباه و به دلیل عدم احاطه علمی یا نداشتن رویکرد انتقادی، متأثر از این منابع شدند. این روند بعد از قرن هجده میلادی و مدعای علمی شدن متون با گواهی آوردن از منابع اسلامی، چهره ظاهراً آکادمیک گرفت و به همان نسبت قدرت گفتمانی بیشتری پیدا کرد. حال سوال پژوهش حاضر این است که آیا منابع اسلامی چنین ظرفیتی ایجاد کرده‌اند که به این ایستار سوگیرانه دامن زده شده باشد؟ در این میان، محمد بن جریر طبری (۲۱۸-۳۰۱ ه.ق) و کتاب بزرگ وی، «تاریخ الامم والملوک» با نام مشهور «تاریخ طبری»، نقش غیرقابل انکاری در تاریخ نگاری اسلامی داشته است، چرا که مطالعه تحلیلی سیره پیامبر(ص) بدون استفاده و بررسی تاریخ طبری کاری ناتمام خواهد بود، به ویژه اینکه تاریخ طبری تعدادی از منابع با ارزش مفقود پیش از خود را نیز زنده نگاه داشته و بخش غیرقابل انکاری از اطلاعاتی که پیرامون پیامبر(ص) تا زمانه وی هنوز در دسترس بوده است را بازتاب می‌دهد. همچنین با تلاش برای ارائه اغلب روایت‌ها پیرامون یک واقعه، یکی از جامع‌ترین منابع تاریخ نگاری صدر اسلام به حساب می‌آید. چنین جایگاهی باعث شده تا تاریخ طبری نقش موثری در متون بعدی و طبیعتاً سهم بسزایی در شکل‌گیری انگاره‌هایی داشته باشد که درباره پیامبر اسلام(ص) بروز و ظهور یافته

استناد به این مقاله: نجفیان رضوی، لیلا؛ یاری، یاسمن (۱۴۰۴). سهم تاریخ نگاری طبری در ایجاد انگاره‌های مغرضانه؛ مطالعه موردی استفاده رسول خدا(ص) از خشونت برای گسترش اسلام. *تاریخ اسلام*. ۲۶(۲)، ۵۳-۸۲. <https://doi.org/10.22081/HIQ.2023.63728.2253>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه باقرالعلوم(ع)

است. انگاره‌هایی که در طول تاریخ، مورد استناد گروه‌های مختلف قرار گرفته و بخشی از آن نیز در متون مستشرقان بازتاب یافته است. یکی از مهم‌ترین انگاره‌های سوگیرانه درباره پیامبر(ص)، روش ایشان در گسترش اسلام می‌باشد. تحقیق حاضر درصدد بوده تا میزان برجسته‌سازی خشونت به عنوان روش مورد استفاده پیامبر(ص) برای گسترش اسلام و به حاشیه راندن روش‌های دیگر ایشان همچون تبلیغ، آموزش، معاهده و جلب اعتماد را مورد بررسی قرار دهد. در این پژوهش برای روش‌های مسالمت‌آمیز و روش‌های سخت‌گیرانه، متغیرهای مستقلی مشخص شد. دعوت و تبلیغ کلامی و رفتار نیکو با مخالفان، از نخستین روش‌های مسالمت‌آمیز ایشان برای گسترش اسلام دانسته شده و در بخش روش‌های سخت‌گیرانه، مواردی مانند نزاع، تهدید، جنگ، ترور، تبعید، کشتن اسیر و قصاص، بدون اینکه مورد بررسی سندی و محتوایی قرار گیرند، مورد تصریح قرار گرفته‌اند. این درحالی است که یافته‌های این تحقیق نشان داد که تاریخ طبری به شکل قابل توجهی جنگ، ترور، نزاع و خشونت را در زندگی ایشان برجسته ساخته و دعوت، آموزش و تبلیغ به صورت قابل توجهی به حاشیه رانده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: انگاره مغرضانه، خشونت‌گرایی، «تاریخ الامم والملوک»، محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری.



۱. مقدمه

ردیابی تاریخی انگاره‌هایی که در ایجاد فضای اندیشگانی جهانی نسبت به اسلام و مسلمانان در دنیای امروز سهم داشته‌اند، کاری باارزش است. بخشی از جریان‌های فکری در طول تاریخ، سعی کرده‌اند اسلام را با گزینش هدفمند داده‌های تاریخی و غیرتاریخی به تصویر بکشند. از سویی، در اغلب پژوهش‌ها در ریشه‌یابی عواملی که این تصویر را مخدوش ساخته و یا نگاهی غرض‌ورزانه به آن داشته است، انگشت اتهام تنها به سوی جریان‌های رقیب از جمله استشرافی دراز کرده‌اند و عوامل داخلی ایجاد این انگاره‌های نادرست را نادیده گرفته‌اند. منظور از عوامل داخلی آثاری است که در قرون نخست هجری به رشته تحریر درآمده و در آنها به صورت خاص یا عام به سیره پیامبر خدا(ص) پرداخته شده و زمینه‌ساز انگاره‌های نادرست شده است.

گام نخست در این مسیر طولانی را می‌توان با یکی از مؤثرترین و مفصل‌ترین منابع متقدم آغاز کرد. از جمله کتاب «تاریخ الامم و الملوک» طبری، که به واسطه بهره‌گیری از بعضی از منابع مهم پیش از خود میزان قابل توجهی از گفتمان کلی ایجاد شده درباره پیامبر(ص) تا آغاز قرن چهارم هجری را دربردارد. از سویی، مطالعه ۴۵ کتاب از ۳۲ نویسنده انگلیسی زبان عصر ویکتوریا^۱ در پژوهشی پیش از این، نشان داد که بهره‌گیری از کتاب طبری با ۱۹٪ فراوانی، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده و کتاب المغازی واقدی با ۱۵٪ در رتبه دوم بوده است. بنابراین، در این پژوهش متن این کتاب تاریخ‌نگارانه از لحاظ تولید یا بازتولید بخشی از تصویر ایجاد شده درباره حضرت رسول(ص) که بازتاب زیادی در طول تاریخ داشته است، مورد واکاوی قرار می‌گیرد. یکی از انگاره‌های مهم سوگیرانه درباره پیامبر(ص)، به روش ایشان در گسترش اسلام بازمی‌گردد و در مواردی روش نبی اکرم(ص) در گسترش اسلام را زور و شمشیر معرفی می‌کند. بنابراین، در کتاب طبری داده‌هایی که به هر شکل بازتاب‌دهنده این تصویر هستند و این ویژگی را برجسته می‌کنند، با شمارش، به داده‌های کمی تبدیل شدند. همچنین داده‌هایی که عملکردهای صلح‌آمیز، تبلیغ و آموزش را برای گسترش اسلام توسط پیامبر(ص) بازتاب می‌دادند نیز به داده‌های کمی تبدیل شدند و در نهایت مقایسه‌ای صورت گرفت که این متن چگونه از این داده‌ها یا رخدادهای تاریخی برای نشان دادن تصویر روش حضرت رسول(ص) در گسترش اسلام بهره برده است؟

۲. پیشینه پژوهش

هدف این پژوهش، بررسی نقش تاریخ‌نگاری صدر اسلام در بازتاب انگاره‌ها در مورد روش گسترش دین توسط آخرین پیامبر الهی است. از این رو، پژوهش حاضر تمرکزی بر زندگی پیامبر خدا(ص) ندارد.

۱. دوران ۶۴ ساله سلطنت ملکه ویکتوریا که از سال ۱۸۳۷م آغاز می‌شود، به عصر ویکتوریا شهرت دارد.

نوآوری این تحقیق، تمرکز بر بررسی سهم یا شکل تأثیر متون تاریخ‌نگارانه نخستین، بر تولید یا بازتولید انگاره‌های مختلف درباره روش نبی اکرم (ص) در گسترش اسلام است. در واقع این مفروض وجود دارد که متون تاریخی به عنوان بخشی از گفتمان موجود در مورد یک پدیده تاریخی، سهم غیرقابل انکاری در ایجاد تصویری دارند که در مورد آن پدیده وجود دارد. بنابراین، در این طرح، تمرکز بر سهم تاریخ‌نگاری قرار گرفته و پدیده مورد پژوهش، متن تاریخ‌نگارانه (تاریخ طبری) و نه داده‌های تاریخی، درباره شخصیت یا زندگی رسول خدا (ص) است. در این میان، پژوهش‌هایی که به تاریخ‌نگاری طبری پرداخته‌اند، تنها از این جهت که اطلاعات کلی در مورد اهمیت این اثر ارائه می‌دهند، مهم هستند، اما پیشینه این پژوهش محسوب نمی‌شوند. آثاری از این دست، شامل «مکتب تاریخ‌نگاری طبری» اثر آئینه‌وند،^۱ «نقد متد طبری در تاریخ‌نگاری» اثر عسکری،^۲ و «روش تاریخ‌نگاری محمد بن جریر طبری (پیوند تاریخ و حدیث)» اثر محمودی^۳ در این مجموعه قرار می‌گیرند. اثر دیگری که به تاریخ‌نگاری طبری پرداخته، «موارد تاریخ الطبری»^۴ جواد علی محقق برجسته عرب است. وی به صورت مفصل تاریخ‌نگاری طبری را مورد بررسی و نقد قرار داده است. اطلاعات مفید این پژوهش برای تاریخ‌نگاری طبری بسیار کارآمد است. با این همه این تحقیق جامع نیز تنها در تکمیل مقدمه این پژوهش و شرح اطلاعات کلی درخصوص تاریخ‌نگاری طبری مفید است. کتاب‌های دیگری همچون «احوال و آثار محمد بن جریر طبری» اثر شهابی، مقالات موجود در مجموعه «طبری تاریخ‌نگار و شاهکار او»^۵ و «خلاصه مقالات شیخ المورخین ابوجعفر محمد بن جریر طبری»^۶ همانند اثر دیگر جواد علی یعنی «تاریخ عرب فی الاسلام (السيرة النبوية)»^۷ و کتاب «بحث فی نشأة علم التاريخ عند العرب» اثر عبدالعزيز الدوری، همگی آثار بسیار فاخری هستند که می‌توانند اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ‌نگاری طبری در اختیار قرار دهند. با این حال هیچ‌یک از این پژوهش‌ها تاریخ‌نگاری طبری را از لحاظ نقش آن در تولید محتوا بررسی نمی‌کنند. امری که نوآوری پژوهش حاضر و لزوم پرداختن به آن را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که این تحقیق از حیث مسأله، پیشینه‌ای ندارد.

۱. آئینه‌وند، مکتب تاریخ‌نگاری طبری، ۱۳۸۸.

۲. عسکری، نقد متد طبری در تاریخ‌نگاری، ۱۳۸۶.

۳. محمودی، روش تاریخ‌نگاری محمد بن جریر طبری، ۱۳۹۳.

۴. جواد علی، موارد التاريخ الطبری، ۱۳۶۹، ج ۱.

۵. شهابی، احوال و آثار محمد بن جریر طبری، ۱۳۱۴ ق.

۶. کندی، طبری تاریخ‌نگار مسلمان و شاهکار او، ۱۳۹۲.

۷. خلاصه مقالات شیخ المورخین ابوجعفر محمد بن جریر طبری، ۱۳۶۸.

۸. جواد علی، تاریخ عرب فی الاسلام (السيرة النبوية).

۹. الدوری، نشأة علم التاريخ عند العرب، ۱۴۲۰ ق.

۳. سهم خود یا دیگری در تولید یا بازتولید انگاره «اسلام دین شمشیر»

انگاره را می‌توان به مثابه یک سازه تعریف کرد که مضمون آن به خودی خود، مجموعه‌ای از تصویرهایی است که از جنبه‌های گوناگون واقعیت در ذهن فرد وجود دارد.^۱ بنابراین، نباید نادیده گرفت که از متون و داده‌های تاریخی، تصویر و انگاره‌هایی در ذهن ایجاد می‌شود و مؤلفه‌های متعددی در ایجاد این تصویر و چگونگی آن نقش آفرینی می‌کنند. برای مثال، از دید ادوارد سعید، شرق‌شناس شهیر، همه آنچه غریبان از شرق می‌شناسند، تحت فضای اندیشگانی استعماری دگرگونه شده و مطابق با تأیید تنوری سلطه، شکلی جدید می‌گیرد و در حیطه شرق‌شناسی تعریف می‌شود. از نظر وی، ساده‌ترین تصور در مورد عرب‌ها و اسلام در غرب، کاملاً سیاسی و همراه با تعصب ضد اسلامی و ضد عربی شکل گرفته و این امر بی‌واسطه در شرق‌شناسی انعکاس یافته است.^۲ با این وجود، تأثیر منابع اسلامی بر ایجاد برخی انگاره‌ها درباره پیامبر اسلام (ص) قابل انکار نیست. در قرن دوازدهم و رویارویی مسلمانان و اروپا در جنگ‌های صلیبی، تقریباً تمامی مردم مغرب‌زمین تصویری از اسلام و پیشینه آن پیدا کردند، این در حالی بود که تا پیش از آن در ادبیات اقوام اروپایی غیرلاتین، تنها یک بار نام محمد دیده شده بود.^۳ در همین مسیر بود که در قرون هفدهم و هجدهم، کتاب‌های مغازی به زبان‌های اروپایی برگردانده شد. جالب توجه است که در مورد تاریخ طبری، این رخداد خیلی زودتر از سایر منابع رخ داد و این اثر، نخستین بار در قرن شانزدهم یا هفدهم به لاتین ترجمه شد و سرانجام اسلام‌شناسانی مانند هرمان زوتنبرگ (۱۸۶۳-۱۸۹۴م)^۴ و نولدکه (۱۸۳۶-۱۹۳۰م)^۵ در سده نوزدهم این کتاب را ترجمه‌ای دقیق نمودند.^۶ این رخداد توقع ایجاد شناخت درست از پیامبر اسلام (ص) را به وجود آورد، اما نتایج در این مسیر آنقدر مثبت نبود. همین امر متون جدید را با ادعای رویکرد علمی، تأثیرگذارتر از پیش نمود. به گونه‌ای که برای مثال شخصی مانند ویلیام مویر (۱۹۰۵م)^۷ با رویکرد سوگیرانه و ایستار مسیحیت تبشیری- استعماری، با تسلط بر زبان عربی و

۱. مولانا، رسانه‌ها و انگاره‌سازی، رسانه، ۱۳۷۵، ص ۱۰.

۲. سعید، شرق‌شناسی، ۱۳۷۷، ص ۵۵.

۳. اسعدی، مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان از آغاز تا شورای دوم واتیکان (۱۹۶۵م)، ۱۳۸۱، ص ۲۰.

4. Hermann Zotenberg

5. Theodor Nöldeke

۶. نعمانی و الندوی، دائرةالمعارف فی سیرة النبی، ۱۹۱۷م، ص ۳۵۹.

7. Muir, Life of Mahomet, 1858.

- کتاب چهار جلدی او با نام The life of Mafomet نخستین بار در سال ۱۸۵۸م به چاپ رسید. این بیوگرافی پرنفوذترین آثار در میان ادبیات شرق‌شناسی از نیمه قرن نوزدهم است. این کتاب مورد اقبال زیادی قرار گرفت و چندین بار به چاپ رسید. ویرایش دوم آن شامل بخش‌هایی از منابع پیش از اسلامی عربی است که در دهه هفتاد این قرن منتشر شد. ویرایش سوم در سال ۱۸۹۴م انتشار یافت. یک نسخه تجدیدنظر شده از ویرایش سوم این اثر با بخش‌هایی از منابع، در سال ۱۹۲۳م منتشر شد. آخرین ویرایش آن در ۱۹۸۸م انجام شد که همان ویرایش اصلی و نخستین این کتاب بود.

بهره‌گیری وسیع از منابع اسلامی و نگاشتن کتابی در مورد نبی اکرم (ص)، چنان اعتبار یافت که آثار او توسط اسلام‌شناسان پس از خود، مانند ساموئل زومیر (م ۱۹۵۲م)،^۱ باسورث اسمیت (م ۱۹۰۸م)،^۲ مارگولیو (م ۱۹۴۰م)،^۳ کوئل (م ۱۹۰۲م)،^۴ ویلیام تمپل گاردنر (م ۱۹۲۸م)،^۵ هنری هریس جیکوب (م ۱۹۱۰م)^۶ و بسیاری دیگر مورد استفاده قرار گرفت و این کتاب حتی تا اواخر قرن بیستم نیز اعتبار خود را حفظ کرد، به گونه‌ای که اسلام‌شناسی مانند مونتگمری وات (م ۲۰۰۶م)^۷ از این اثر بهره برد.^۸ علامه شبلی نعمانی (م ۱۳۳۲ق) و سید سلیمان ندوی (م ۱۳۷۳ق) سیره‌نویسان قرن نوزدهم در شبه قاره هند، توضیح خوبی در این زمینه می‌دهند. ایشان نویسندگان اروپایی که درباره نبی اکرم (ص) کتاب نگاشته‌اند را به سه گروه تقسیم می‌کنند:

گروه اول، کسانی هستند که زبان عربی را نمی‌دانند و در نتیجه به منابع اصلی در سیره دسترسی نداشته و تنها از پژوهش‌های غربی بهره گرفته‌اند. بنابراین، اطلاعاتی که به دست آنها رسیده، خودبه‌خود ناقص و از حیث اعتبار بسیار پایین است.

گروه دوم، افرادی که به زبان عربی و آداب و رسوم ایشان آگاهی کامل داشتند و تاریخ، فلسفه و علوم اسلامی را می‌شناختند. اشکال این گروه، جهالت ایشان در فن سیره بوده است. اینها کسانی بودند که به نظر می‌آید از همین جهالت و البته تعصب خود ضربه دیده و در نتیجه نتوانسته‌اند تصویر درستی از پیامبر اسلام (ص) ارائه دهند.

قسم سوم، آنهایی هستند که اطلاعات آنها کامل است، اما تعصب و پیش‌داوری‌های آنها باعث می‌شود که در نهایت آنچه از پیامبر (ص) می‌نگارند، متعصبانه و به دور از واقع باشد.^۹

نکته‌ای که شبلی نعمان به آن اشاره می‌کند، یعنی عدم توجه به فن سیره بسیار مهم است. اما آیا این نکته تنها در مورد شرق‌شناسان صدق می‌کند و شامل خود مسلمانان نمی‌شود؟ جواد علی معتقد است که مطالعه تاریخ اسلام تنها از طریق مطالعه تحلیلی و با استفاده از نقد و آینده‌نگری مؤثر خواهد بود. پس، بر اهل تاریخ واجب است تا بین اصول و فروع تفکیک قائل شده و اسلام ناب را از میان انحرافی که در طی تاریخ ایجاد شده است، استخراج نماید. تحلیل دقیق می‌تواند به نفع مسلمانان تمام شود و

1. Samuel Marinus Zwemer
2. Reginald Bosworth Smith
3. David Samuel Margoliouth
4. Sigismund Wilhelm Kölle
5. William Henry Temple Gairdner
6. Henry Harris Jessup
7. W. Montgomery Watt
8. Bennett, *In search of Muhammad*, 1998, p. 115.

۹. نعمانی و الندوی، *دائرة المعارف فی سيرة النبى*، ۱۹۱۷م، ص ۱۷-۸.

ضرورت زمانه می‌باشد. این حقیقت شامل مطالعه تاریخ عصر پیامبر (ص) نیز می‌شود.^۱ بنابراین، می‌توان گفت که بررسی تأثیرات تاریخ‌نگاری اسلامی قرون اولیه تا چه حد می‌تواند مهم باشد و جلوی تولید و بازتولید انگاره‌های نادرست از پیامبر اسلام (ص) و دین ایشان را بگیرد. اما نکته‌ای که نیاز به توضیح بیشتر دارد، علت انتخاب تاریخ طبری برای بررسی این متون، به عنوان گام نخست می‌باشد.

۴. نقش تاریخ طبری در تاریخ‌نگاری اسلامی

طبری نمونه یکی از پرکارترین دانشمندان علوم اسلامی است، نقل قولی از وی وجود دارد که ابن جریر به باران خود گفت: آیا شما به تاریخ جهان پرداخته‌اید و اگر به آن پرداخته‌اید، چقدر برای آن زمان صرف کرده‌اید؟ سپس، به خواندن سی هزار نگاهشته اشاره کرد.^۲ طبری، به ویژه به سبب هر دو اثر ماندگارش که به دست ما رسیده، یعنی تاریخ و تفسیر قرآن، بزرگ شمرده می‌شود. با وجود آنکه کتاب‌های وی از نخستین آثار در نوع خود نیستند و تلاش برای تألیف تاریخ سالنامه‌ای جهان و هم برای گردآوری تفسیر کل قرآن در حجمی بزرگ، دست کم به قرن دوم هجری بازمی‌گردد، اما هر دو اثر طبری از پرجمع‌ترین آثار متقدم باقی‌مانده می‌باشد و یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های آنها حفظ تعدادی از منابعی است که از دست رفته و در کتاب‌های طبری اطلاعات شایان توجهی از آنها یافت می‌شود. فؤاد سزگین (م ۲۰۱۸م) به عنوان نویسنده یکی از کامل‌ترین مراجع کتابشناسی عربی، آثار ابن جریر را به عنوان قدیمی‌ترین و پربارترین منابع مربوط به نخستین سده‌های علم اسلامی معرفی می‌کند که در پژوهش‌های نوین مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۳ نکته قابل توجهی که تاریخ‌نگاری طبری را برجسته و حائز اهمیت می‌سازد، تمایل ویژه وی به جمع تمام اخبار موجود در مورد یک واقعه تاریخی است. او میل زیادی داشت که بیشترین روایت حول یک حادثه واحد را با هم بیاورد. وی به عنوان یک دانشمند برجسته، از داده‌های مشتق شده از تفسیر، حدیث، لغت، ادب، سیره و تاریخ با هم در نگارش کتاب خود بهره برده است.^۴ در مقدمه کتاب تاریخ واقعی، که توسط کرمر در سال ۱۸۵۵م نوشته شده، آمده است که کتاب تاریخ طبری یکی از معتبرترین آثار در سنت و تاریخ است.^۵ این سخن کرمر دال بر تأثیر قابل توجه تاریخ طبری بر کسانی است که در این عصر انگاره‌هایی درباره نبی اکرم (ص) تولید یا بازتولید می‌کنند. پروفیسور اچ. آر. گیب درباره طبری می‌نویسد، بعدها هیچ یک از نویسندگان، مواد تاریخ صدر اسلام را جمع‌آوری و بررسی

۱. جواد، تاریخ عرب فی الاسلام، بی‌تا، ص ۲۹۱.

۲. جواد، موارد التاریخ الطبری، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۷۶.

۳. سزگین، تاریخ نگارش‌های عربی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۹.

۴. محمودی، روش تاریخ‌نگاری محمدبن جریر طبری، ۱۳۹۳، ص ۳۹.

5. Wāqidi, Hittory of Muhammad, ccapp aingn 1856.

نکرد، مگر اینکه کتاب تاریخ طبری را اقتباس یا خلاصه نمود و یا اینکه از اطلاعاتی شروع نمود که طبری در کنارش گذاشته بود.^۱

این تأثیر بر منابع اسلامی نیز به وضوح قابل مشاهده است. عبدالله بن احمد فرغانی (م ۳۶۲ق)، ثابت بن سنان (م ۳۶۳ق)، هلال بن محسن صابی (م ۴۴۸ق)، محمد بن هلال بن محسن (م ۴۸۰ق)، محمد بن عبدالملک همدانی (م ۵۲۱ق) و نجم الدین الصالح ایوبی (م ۶۴۷ق) از کسانی بودند که تاریخ طبری را تا زمانه خود تکمیل کردند. برخی نیز به تلخیص آن پرداختند.^۲ مسعودی (م ۳۴۶ق) پس از برشمردن بیش از ۷۰ اثر تاریخی، چون به کتاب طبری می‌رسد، چنین از آن یاد می‌کند:

«تاریخ ابوجعفر محمد بن جریر طبری از همه کتاب‌ها و تألیفات دیگر سر است که اقسام حوادث و سرگذشت‌های گوناگون را فراهم آورده و از علوم مختلف سخن دارد و کتابی بسیار سودمند و نافع است و چرا نباشد که مؤلف آن فقیه عصر و زاهد دهر بود که فقیهان بلاد و دانایان سنت و اخبار، علم از او گرفتند».^۳

ابن اثیر (م ۶۳۰ق) در مقدمه‌ای که بر تاریخ خود نگاشته، اشاره می‌کند که تمام مطالب خود را از تاریخ طبری گرفته و هیچ‌یک را از قلم نینداخته است.^۴ توضیحات بالا نشان می‌دهد که بررسی متن طبری به عنوان یکی از ایجادکنندگان انگاره درباره نبی اکرم (ص) و یکی از آثار تأثیرگذار بر تاریخ‌نگاری صدر اسلام، می‌تواند قدمی با ارزش باشد. این بررسی بایستی از زوایای متعددی صورت بگیرد، اما پژوهش حاضر به دلیل مجال اندک، تنها تلاش دارد از شکل ظاهری یا صوری متن به این واکاوی دست بزند و نشان دهد که چقدر و به چه کیفیتی این کتاب در ایجاد یک انگاره محوری، یعنی رویکرد حضرت محمد (ص) در گسترش اسلام، بازتولید گفتمانی دارد. شایان ذکر است که پرداختن به کتاب طبری به هیچ وجه به معنی در نظر نگرفتن آثار مهم تاریخ‌نگاری صدر اسلام نیست، بلکه تنها شروع کاری است که تکمیل نهایی آن با بررسی تک تک منابع موجود امکان خواهد یافت و ارزش نهایی خود را مشخص خواهد کرد.

۵. تصویرهای موجود در تاریخ طبری از روش پیامبر (ص) در گسترش اسلام در شبه جزیره

متن تاریخی به مانند هر متن دیگری، در حقیقت یک عمل اجتماعی است که توسط نگارنده آن متن انجام می‌گیرد. کوئنتین اسکینر،^۵ فیلسوف هر موتیک بیان می‌کند که نگاشتن یک متن با بار قصدی

۱. حورانی و همکاران، تاریخ‌نگاری در اسلام، ۱۳۹۴، ص ۲۴.

۲. سجادی و عالم‌زاده، تاریخ‌نگاری در اسلام، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰.

۳. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶.

۴. ابن اثیر، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ج ۱، ص ۱۳۴.

5. Quentin Skinner

شده‌ای انجام می‌گیرد. برای فهم کامل معنای تاریخی یک متن یا بخش‌هایی از آن، تنها کافی نیست معنای گفتاری آن را در نظر گرفت؛ بلکه ضرورت دارد بدانیم مؤلف در نوشتن آن چه قصدی داشته است؟^۱ بنابراین، هیچ متن تاریخی دربرگیرنده کل حقیقت نیست و به عنوان کنشی اجتماعی، بایستی از جنبه‌های مختلفی تحلیل و سنجش شود تا حقیقت را بتوان از آن فهم کرد. ای.اچ.کار، تاریخ‌نگار شهیر، معتقد است که تلاش تاریخ‌نگاری که به واقعیات دسترسی ندارد، بی‌اساس و بیهوده است؛ واقعیات هم بدون تاریخ‌نگار، مرده و بی‌مفهوم است. این به آن معنا است که منابع تاریخی باید تفسیر شوند. تاریخ‌نگار تعیین می‌کند که منابع به ما چه بگویند.^۲ یکی از راه‌های فهم یک متن تاریخی، شکل انتخاب داده‌ها توسط تاریخ‌نگار است. اینکه نویسنده چه مطالبی را به حاشیه برده و چه مطالبی را برجسته ساخته است؟ و این انتخاب موجب ایجاد چه تصویر یا انگاره‌ای در ذهن خواننده می‌شود؟ در این پژوهش، مسأله تصویری است که تاریخ طبری از روش پیامبر(ص) در گسترش اسلام ارائه می‌دهد. اینکه تا چه حد داده‌هایی برجسته می‌شوند که روش‌های سخت‌گیرانه را بازتاب می‌دهند و تا چه حد، اطلاعاتی ارائه می‌گردد که روش‌های مسالمت‌آمیز را به تصویر می‌کشد؟ چرایی عملکرد تاریخ‌نگار بایستی در مجالی دیگر بررسی شود. در این پژوهش برای روش‌های مسالمت‌آمیز و روش‌های سخت‌گیرانه، متغیرهای مستقلی مشخص شده که شمارش آنها می‌تواند تا حدی ملاک سنجش باشد. در روش‌های مسالمت‌آمیز، نخستین متغیر دعوت و تبلیغ کلامی می‌باشد و پس از آن رفتار نیکو با مخالفان است. در روش‌های سخت‌گیرانه مواردی مانند نزاع، تهدید، جنگ، ترور، تبعید، کشتن اسیر و قصاص در نظر گرفته شده است. تمامی این داده‌ها بدون هیچ تحلیل یا نقدی، تنها شمارش شده‌اند؛ زیرا این پژوهش تلاش دارد از نظر ظاهری سهم تاریخ‌نگاری طبری در ایجاد انگاره‌های موجود درباره روش نبی اکرم(ص) در گسترش اسلام را واکاوی کند. در این راستا، داده‌ها در دوره مکی و مدنی به صورت جداگانه بررسی می‌شود. تقسیم‌بندی متغیرها و انتخاب آنها متناسب با شکل داده‌هایی است که کتاب در هر دوره زندگی پیامبر(ص) ارائه می‌دهد و طبیعی است که بخش نخست به بررسی متن تاریخ طبری دوره مکی بپردازد.

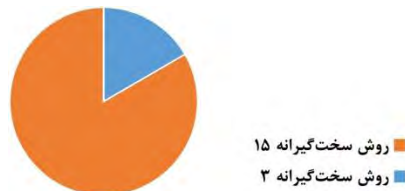
۵-۱. متن تاریخ طبری در دوره مکی

جدول ۱- روش‌های پیامبر(ص) در گسترش اسلام در دوره مکی (۱-۵۳ عام الفیل)

روش‌های سخت‌گیرانه		روش‌های صلح‌آمیز
نزاع	تهدید	دعوت کلامی
۱	۲	۱۵

۱. تولی، روش‌شناسی اسکینر در تحلیل اندیشه سیاسی، ۱۳۸۳، ص ۵۸.

۲. رامپولا، راهنمای نگارش تاریخ، ۱۳۹۴، ص ۱۹.



نمودار ۱- روش‌های پیامبر (ص) در گسترش اسلام در دوره مکی (۱-۵۳ عام الفیل)

در این دوره سیزده ساله، تنها سه داده نشان از اعمال خشونت‌آمیز در زندگی پیامبر (ص) دارد. شایان ذکر است که در کل دوره چهل ساله پیش از بعثت، عملی که دال بر خشونت باشد، ثبت نشده است. با توجه به اینکه خشونت و خشم از صفاتی است که در جوانی بیشترین نمود را در رفتار فرد دارد، این آمار خود نشان دهنده شخصیت آرام پیامبر (ص) می‌باشد. در این دوره متن تاریخ طبری یک نزاع و دو تهدید را بازتاب می‌دهد که در نزاع، شخص پیامبر (ص) مشارکت نداشته است.^۱ داستان دو تهدید نیز یکی انذار قوم خویش و هشدار ایشان به جهنم بوده است،^۲ و دیگری زمانی است که با کلام، پیامبر (ص) را آزار می‌دهند و ایشان پس از آزار دیدن بسیار، آنها را به کشته شدن در آینده خبر می‌دهد.^۳ در مقابل، حجم بسیار بیشتری از داده‌ها خبر از تلاش پیامبر (ص) در دعوت زبانی مردمان به دین اسلام می‌دهد. از جمله مواردی مانند چگونگی آغاز به کار پیامبر (ص) که بنا بر دستور پروردگار، تنها تمرکز بر تبلیغ و آموزش داشته است؛ یا چگونگی آزار ایشان در هنگامه دعوت به اسلام از سوی قریش.^۴ فحواى سخن نشان می‌دهد که این تلاش متعددتر از چیزی است که در تاریخ طبری درج شده است. برای مثال به توضیح زیر توجه کنید:

«پیامبر خدای، بدین گونه در هر موسم حج به نزد قبایل می‌رفت و آنها را به خدا و اسلام دعوت می‌کرد و خویشان را با هدایت و رحمتی که آورده بود، بر آنها عرضه می‌کرد و هر وقت می‌شنید یکی از عربان شریف و معروف به مکه آمده، پیش وی می‌رفت و او را به خدا می‌خواند و خویشان را بر او عرضه می‌کرد».^۵

بنابر داده‌های بالا، در دوره مکی همه تمرکز پیامبر (ص) بر دعوت بوده است. اما چون به دوره مدنی

۱. این دعوا مربوط به برخورد عده‌ای از مسلمانان در نزدیکی مکه با جمعی از مشرکان بوده است که عیب‌جویی و آزار قریشیان خشم سعد بن ابی وقاص را برمی‌انگیزد و او سر یکی از مشرکان را در دعوا با استخوان شتری می‌شکند (طبری، تاریخ طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۶۴).

۲. همان، ص ۸۶۵.

۳. همان، ص ۸۷۵.

۴. همان، ص ۸۴۶-۸۴۷، ۸۵۲، ۸۶۴-۸۶۶، ۸۶۸، ۸۷۷، ۸۸۵، ۸۹۱.

۵. همان، ص ۸۹۳.

وارد می‌شویم، متن، تغییر اساسی می‌کند.

۵-۲. روش پیامبر(ص) در گسترش اسلام در دوره مدنی (۱-۱۱ ق)

جدول ۲- روش‌های پیامبر(ص) در گسترش اسلام در دوره مدنی

روش‌های سخت‌گیرانه در گسترش اسلام			روش‌های صلح‌آمیز در گسترش اسلام		
قصاص	جنگ	ترور	کشتن اسیر	تبعید	جمع کل
۲	۶۶	۵	۷	۳	۸۳
					جمع کل
					۲۲

جدول ۳- روش‌های پیامبر(ص) در گسترش اسلام در دوره مدنی

درصد روش‌های سخت‌گیرانه در گسترش اسلام			درصد روش‌های صلح‌آمیز در گسترش اسلام		
قصاص	جنگ	ترور	کشتن اسیر	تبعید	نیکي با اسیر
۲٪	۶۳٪	۵٪	۷٪	۳٪	۹۵٪

اولین نکته‌ای که در دوره مدنی دیده می‌شود، تفاوت میزان داده‌ها به صورت کلی نسبت به دوره مکی می‌باشد. با در نظر گرفتن اینکه دوره مکی پیامبر اسلام(ص)، ۵۳ سال از زندگی ایشان را شامل می‌شود و دوره مدنی زندگی نبی اکرم(ص) تنها ده سال از زندگی ایشان را دربرمی‌گیرد و همچنین اگر قصد این جریر تمرکز بر دوره پیامبری آن حضرت بوده است، باز ۱۳ سال از زندگی پیامبر(ص) در مکه به دوره پس از بعثت اختصاص دارد که این زمان از دوران مدنی بیشتر می‌باشد؛ این خود نشان‌دهنده آن است که متن کتاب طبری تا چه حد به تاریخ سیاسی تعلق دارد و انتخاب داده‌ها به چه شکلی بوده است که این تفاوت در حجم مطلب رخ داده است. خود این جریر در کتابش این موضوع را به صراحت اعلام کرده است که قصد نگاشتن تاریخ سیاسی را دارد:

«در این کتاب خبر ملوک و پیمبران و خلیفگان را که شاکر نعمت خدا بودند و نعمت بیشتر یافتند و آنها که نعمتشان به آخرت افتاد و آنها که کفران کردند و در ایام حیات متعم بودند، بیارم ... بلکه تاریخ ملوک گذشته است و شمه‌ای از اخبارشان و زمان رسولان و پیمبران و مقدار عمرشان، و مدت خلیفگان سلف و چیزی از سرگذشتشان و قلمرو حکومتشان و حوادث عصرشان. و به دنبال آن ذکر یاران پیامبر محمد صلی الله علیه و سلم و نام‌ها و کنیه‌ها و نسب‌هاشان و مدت عمرشان و وقت وفات هر کدامشان را با موضع وفات بیارم، سپس از تابعان و اخلافتان سخن آرم»^۱.

در نگاه اجمالی به تاریخ زندگی پیامبر(ص) نیز این هدف طبری کاملاً خود را نشان می‌دهد و تمرکز

۱. طبری، تاریخ طبری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶.

داده‌ها صحّٰه بر سخن ابن جریر می‌گذارد و تکلیف را بر خواننده مشخص می‌کند. اما باز حتی اگر تاریخ طبری را یک تاریخ سیاسی بدانیم، نکته این است که بایستی عملکردهای صلح‌آمیز حضرت رسول (ص) برای گسترش اسلام را به عنوان دیپلماسی در نظر می‌گرفت. سؤال این است که این بخش از زندگی پیامبر (ص) در دوره مدنی، چطور در تاریخ طبری مفصل‌بندی شده است؟

۶. حاشیه راندن روش‌های صلح‌آمیز پیامبر (ص) در گسترش اسلام

نخستین ارسال فرستاده که مربوط به زندگی پیامبر (ص) در مدینه می‌شود، به قبل از مهاجرت برمی‌گردد؛ یعنی در دیداری با مردمان خزرج که نبی اکرم (ص) به ایشان اسلام را ارائه داد و ایشان را برای تبلیغ به مدینه فرستاد.^۱ همین گروه توانستند در عقبه اول ۱۲ نفر را نزد پیامبر (ص) بیاورند و این ۱۲ نفر به عنوان نقیب برای تبلیغ به مدینه رفتند؛ در حالی که فرستاده‌ای به نام مصعب بن عمیر بن هاشم بن عبد مناف را پیامبر (ص) با ایشان فرستاد تا به گفته تاریخ طبری، برای آنها قرآن بخواند و اسلام و فقه دین پیاموزد و مصعب در مدینه قاری لقب گرفت.^۲ نتیجه همین تلاش‌ها باعث شد که در عقبه دوم ۷۰ نفر از مردم مدینه نزد حضرت محمد (ص) بیایند.^۳ این یک پیروزی حاصل از تبلیغ دین است، که تاریخ طبری تنها در حد گزارش، از آن عبور می‌کند. البته قصد گزارش‌ها بازتاب دادن نخستین قراردادها میان پیامبر اسلام (ص) و مردمان مدینه است و تنها یک جمله در آنها به توصیف این ارسال مبلغ اشاره دارد و بقیه مفاد قرارداد است که به صورت کاملاً مختصر بیان می‌شود و آن جمله این است: «ابن اسحاق گوید: آنگاه پیامبر خدا به نقیبان گفت: «بر کار قوم خویش هستید و مانند خواریان عیسی بن مریم (ع)، سرپرست آنهاید، و من نیز سرپرست قوم خویشم»، و آنها گفتند: «چنین باشد».^۴ تنها توصیفی که در این عبارت قابل استفاده است، توصیف این فرستادگان به عنوان کسانی مانند خواریان عیسی بن مریم (ع) است. این شکل گزارش به هیچ وجه حق مطلب را بیان نمی‌کند و در ضمن نشانه این است که مورخ امر تبلیغ و نتیجه این تبلیغ را مهم تلقی نکرده و قصدی برای باز کردن این بخش از تاریخ ندارد. در متن تاریخ طبری و در دوره‌ای که پیامبر (ص) به مدینه وارد می‌شوند، تا پیش از فتح مکه، دو بار به ارسال مبلغ برای تبلیغ و آموزش اسلام اشاره می‌شود. این دو واقعه در تاریخ مشهور هستند. نخستین این وقایع که ارسال شش مبلغ به سوی مردم عَصَل و قَاره بوده است، در یک صفحه گفته می‌شود.^۵ مورد دوم رخداد بَثْر مَعُونه

۱. همان، ج ۱، ص ۸۹۴.

۲. همان، ص ۸۹۶.

۳. همان، ص ۹۰۷.

۴. همان، ص ۹۰۳.

۵. همان، ص ۱۰۴۴.

بود که در آن ۴۰ مبلغ مسلمان به دست کفار کشته شدند، که این واقعه نیز در دو صفحه توصیف می‌شود.^۱ دو واقعه از ارسال مبلغ برای تبلیغ اسلام که در بالا به آن اشاره شد، در یک ویژگی مشترک هستند و آن این است که در این دو حادثه، مبلغین همگی کشته شده و در حقیقت یک تراژدی تاریخی رخ داده است، که نوع رخداد، بخش مهمی از تاریخ را بازتاب می‌دهد که نادیده گرفته شده است. پیامبر (ص) هیچ امنیتی برای تمرکز بر تبلیغ و دعوت مردمان به دین مبین اسلام نداشته است. متن کتاب تنها به روایت این رخداد بسنده می‌کند. اما این دو واقعه، نشانه‌های زیادی در خود دارند که به حاشیه رانده شده و یا نادیده گرفته می‌شوند. نکته قابل توجه آن است که عملکرد پیامبر (ص) در ارتباط با مردم مدینه، به صورت قابل توجهی در تاریخ‌نگاری طبری مغفول واقعه می‌شود. این کتاب هیچ اشاره‌ای به همان میزان اندک داده‌های تاریخی موجود که از تلاش حضرت رسول (ص) برای استفاده از روش‌های صلح‌آمیز برای گسترش اسلام بوده است، ندارد. پیمان‌های پیامبر (ص) با مردم مدینه، به ویژه با قبایل یهود، در متن تاریخ‌نگاری طبری دیده نمی‌شود؛ رخداد عقد اخوت بیان نمی‌گردد؛ مهم‌تر آنکه چگونگی اسلام آوردن مردمان مدینه و پذیرش پیامبر (ص) با این وسعت، اصلاً در متن دیده نمی‌شود. چون پیامبر (ص) مکه را فتح می‌کند و امنیت مسلمانان تأمین می‌گردد؛ متن تاریخ طبری تغییر روش پیامبر اسلام (ص) در گسترش اسلام را بیشتر هویدا می‌کند. پس از فتح مکه، پنج مورد دعوت (کلامی یا نامه) از سال هشت تا سال یازدهم هجری (رحلت) انجام شده است. مقایسه آنکه در دوره پیش از فتح مکه، یعنی به مدت هشت سال تنها دو داده تاریخی دال بر ارسال مبلغ دیده می‌شود، می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که اگر نبی اکرم (ص) دچار تهدید مکیان نبود، روش تبلیغ و آموزش را سرلوحه کار خویش قرار می‌داد.

۷. برجسته‌سازی روش‌های سخت‌گیرانه در متن تاریخ طبری

همانگونه که در جدول (۱) آمده است، بیشترین درصد در بخش تاریخ زندگی پیامبر (ص) در کتاب طبری (۶۳٪)، اطلاعات درباره غزوات و سریه‌ها است. متن تاریخ طبری چون به سراغ جنگ می‌رود و نبردی را بازتاب می‌دهد، رویکردش تغییر می‌کند. برای مثال، در بازتاب غزوه بدر، شرح واقعه از صفحه ۹۴۴ آغاز می‌شود و تا صفحه ۹۹۵ ادامه می‌یابد. یعنی ۵۰ صفحه تنها یک جنگ را بازتاب می‌دهد. این ارقام، ذهن محقق را به چالش وامی‌دارد که چرا این اثر به فرض که تاریخی سیاسی باشد، تا این حد سعی در بزرگ‌نمایی جنگ دارد، ولی در روش‌های مسالمت‌آمیز، برای گسترش اسلام، با عجله و در حد گزارشی کوتاه مطلب را درج می‌کند؟ پاسخ به این پرسش مجال دیگری را می‌طلبد.

نکته حائز اهمیت این است که بخش قابل ملاحظه‌ای از این اطلاعات، از کمترین ارزش برخوردار هستند. برای مثال به مورد زیر توجه کنید:

۱. همان، ص ۱۰۵-۱.

«هفت ماه پس از هجرت، پیامبر(ص) پرچم سفیدی برای حمزه بن عبدالمطلب بست و او را با سی تن از مهاجران بفرستاد، تا راه کاروان قریش را ببندند و حمزه با ابوجهل روبه‌رو شد که سیصد مرد همراه داشت و مجدی بن عمرو جهنی در میانه حایل شد و بی‌جنگ از هم جدا شدند و پرچمدار حمزه ابو مرثد بود».^۱

و یا این مورد:

«پس از آن در ماه ربیع‌الآخر، پیامبر(ص) به آهنگ غزا و به طلب قریش برون شد و تا بواط رفت که در ناحیه رضوی بود و بازگشت و حادثه‌ای نبود».^۲

در این میان از ۶۶ گزارش از جنگ، ۲۸ مورد (۴۲٪) آن به مواردی تعلق دارد که اصلاً درگیری بین دو طرف رخ نداده است. این در حالی است که همانگونه که پیش از این گفته شد، بسیاری از رخداد‌های مهمی که دال بر روش‌های صلح‌آمیز در گسترش اسلام است، به صورت بسیار مختصر گفته شده و یا نادیده گرفته شده است. یکی از موارد مهم برجسته شده در کتاب که جای تأمل دارد، توصیف ترور دو یهودی به نام‌های کعب بن اشرف و رافع یهودی است. دو رخدادی که با توصیف جزء به جزء واقعه گفته شده است، به گونه‌ای که می‌توان رخداد را با جزئیات در ذهن متصور شد. واقعه نخست از صفحه ۱۰۲-۱۰۶، یعنی پنج صفحه را به خود اختصاص داده است. در این واقعه حتی مهتابی بودن شب توصیف می‌شود و یا سخنانی که بین همسر کعب بن اشرف و وی در هنگامه‌ای که صدایی می‌شنوند، رد و بدل می‌شود. اینکه بوی موی کعب چگونه بوده، و یکی از کسانی که برای کشتن وی رفته است، از این بوی خوش چه تعریفی می‌کند. در واقعه دوم، متن توصیف می‌کند که چگونه در هنگام رسیدن مسلمانان، آفتاب غروب کرده بود و کسان گله‌های خویش را می‌بردند، و به همین شکل با جزئیات، وقایع توصیف می‌شود. متن در این موارد تصویر خشونت را تا حد زیادی برجسته می‌کند. امری که بعدها در دست معاندان به ابزاری نیرومند بدل می‌شود. برای نمونه ویلیام مویر، برای اثبات تمایل پیامبر(ص) به کشتار، به جریان قتل کعب بن اشرف می‌پردازد و ادعا می‌کند که به دستور محمد، این کار انجام گرفته است. این جریان با آب و تاب تمام توصیف می‌شود و بعد بیان می‌دارد که علت بازگویی این رخداد، نقل این موضوع است که تعصب ظالمانه محمد، صورتی کاملاً بی‌اراده پیدا می‌کرده است.^۳ مویر اشاره نمی‌کند که کعب بن اشرف چگونه پس از جنگ بدر به مکه سفر می‌کند و حتی ۴۰ یهودی را با خود همراه می‌سازد تا قریش را بر ضد مسلمانان بشوراند؛ همچنین با سرودن شعر تلاش داشته تا قریش را به جنگ تهییج کند.^۴

۱. طبری، تاریخ طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۲۹.

۲. همان، ص ۳۳۵.

3. Muir, *Life of Mahomet*, 1858, p. 240

۴. واقدی، المغازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۳-۵؛ بلاذری، انساب الاشراف، ۱۹۹۶م، الجزء الاول، ص ۳۳۸؛ ابن هشام، سیره ابن هشام، ۱۳۸۳، ص ۳۱۶.

مویر پا را فراتر گذاشته و ادعا می‌کند که این شاخصه روحی عربی بود که در حقیقت از سوی پیروان محمد دنبال می‌شد. انگیزه‌ای مذهبی که ایشان را به کارهایی مانند قتل وادار می‌کرد و به گمان‌شان تأیید الهی نیز داشت. به این شکل، آنها در شتافتن به رفتارهای پربرانه بیشتر عجل می‌شدند و خیانت با بهانه‌های دینی توجیه پیدا می‌کرد و تصویب الهی می‌یافت.^۱

۸. نتیجه‌گیری

یکی از ویژگی‌های ارزشمند دین اسلام، باقی ماندن جزئیات زندگی پیامبر (ص) است. پدیده‌ای که با نام سیره شناخته شد و به منبعی قابل اعتماد و مهم برای سبک زندگی هر مسلمان تبدیل گردید. اما از نخستین و مهم‌ترین متن بازتاب‌دهنده سیره، یعنی قرآن مجید که بگذریم، متون تاریخی مسلمانان همچون متون دیگر دچار نقص و کاستی‌هایی بوده است. پدیده‌هایی همچون بافت تاریخی، ایستار نویسنده، از بین رفتن منابع اصلی و عوامل متعدد دیگری بر این متون تأثیر گذاشت و بنابراین، تحلیل و نگاه نقادانه برای شناخت این علم به امری مهم و غیرقابل اجتناب بدل شد. در این میان تاریخ طبری به عنوان بخشی از سیره‌نگاری که به نسبت منابع پیش از خود، جامعیت قابل توجه داشته و گنجینه‌ای قابل توجه از گفتمان‌های موجود در مورد پیامبر اسلام (ص) به حساب می‌آید، یکی از منابعی است که تأثیر آن در تولید یا بازتولید انگاره‌های موجود در مورد نبی اکرم (ص) مسلم است. یکی از راه‌های بررسی این انگاره‌ها در این متن، شکل برجسته‌سازی و به حاشیه راندن اطلاعات موجود در مورد پیامبر اسلام (ص) است. البته در این نگاشته تمرکز بر روی یکی از این انگاره‌ها بود. تصویرهایی که دین اسلام را دین شمشیر معرفی می‌کرد. تصویری که در طول تاریخ توسط مغرضان بسیار برجسته شده و نتیجه بازتولید آن امروزه به اسلام‌هراسی گسترده انجامیده است. بررسی تاریخ طبری نشان داد که این اثر به شکل قابل توجهی جنگ را در زندگی حضرت رسول (ص) برجسته می‌سازد. نبردهای پیامبر (ص) را با جزئیات به تصویر می‌کشد. کوچک‌ترین رخدادی که حتی گاهی صورتی شبیه به جنگ نداشته را با عنوان غزوه یا سریه بازتاب می‌دهد و از سوی دیگر رخداد‌های مهمی که دال بر آموزش، تبلیغ و تبیشر است را نادیده می‌گیرد و یا آنقدر کم‌رنگ به تصویر می‌کشد که تأثیر آن بر ذهن خواننده بسیار ناچیز می‌شود. البته این شاخصه تنها مختص به تاریخ طبری نیست و در منابع دیگر هم قابل پیگیری است. سنجه این تصویر در منابع تاریخ‌نگاری صدر اسلام تابلویی را نشان می‌دهد که تصویر نبی اکرم (ص) را به جهانیان نشان می‌دهد و ثابت می‌کند که تا چه حد یافتن این نقصان‌ها و دلیل آنها ضروری خواهد بود. اثبات نقصان داده‌ها کمک مؤثری به جلوگیری از بازتولید ایستارهای مغرضانه‌ای است که ابزار خویش را علمی جلوه می‌دهند.

1. Muir, *Life of Mahomet*, 1858, p. 303-305.

منابع

- آئینه‌بوند، صادق (۱۳۸۸). کتب تاریخ‌نگاری طبری. کیهان اندیشه، شماره ۲۵.
- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱). تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران. ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی، ج ۱.
- ابن هشام (۱۳۸۳). سیره ابن هشام. ترجمه رفیع‌الدین اسحاق ابن محمد همدانی. تهران: نشر مرکز.
- اسعدی، مرتضی (۱۳۸۱). مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان از آغاز تا شورای دوم واتیکان (۱۹۶۵ م). تهران: انتشارات سمت.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۹۹۶ م). انساب الاشراف. بیروت: دارالفکر، الجزء الاول.
- تولی، جیمز (۱۳۸۳). روش‌شناسی اسکینر در تحلیل اندیشه سیاسی. ترجمه غلام‌رضا بهروزی لک. علوم سیاسی، ۲۸(۷).
- جواد، علی (۱۳۶۹). موارد التاريخ الطبری. مجلة المجمع العلمی العراق، ج ۱.
- جواد، علی (بی‌تا). تاریخ عرب فی الاسلام (السيرة النبوية). بیروت: دارالحدیث.
- حورانی، آلبرت و همکاران (۱۳۹۴). تاریخ‌نگاری در اسلام. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- خلاصه مقالات شیخ المورخین ابوجعفر محمد بن جریر طبری، به مناسبت یک‌هزار و یکصدمین سالگرد وفات طبری (۲۲-۲۴). سمینار بین‌المللی طبری. ساری: دانشگاه مازندران، ۱۳۶۸.
- دوری، عبدالعزیز (۱۴۲۰ ق). نشأة علم التاريخ عند العرب. مرکز زاید للتراث و التاريخ.
- رامپولا، مری لین (۱۳۹۴). راهنمای نگارش تاریخ. ترجمه لی لا سازگار. تهران: انتشارات آگاه.
- سجادی، صادق؛ عالم‌زاده، هادی (۱۳۹۱). تاریخ‌نگاری در اسلام. تهران: سازمان سمت.
- سزگین، فؤاد (۱۳۹۶). تاریخ نگارش‌های عربی. ترجمه، تدوین و ماده‌سازی مؤسسه نشر فهرستگان. تهران: به اهتمام خانه کتاب.
- سعید، ادوارد (۱۳۷۷). شرق‌شناسی. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شهابی، علی اکبر (۱۳۱۴). احوال و آثار محمد بن جریر طبری. تهران: انتشارات اساطیر.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر، ج ۳، ۱، چاپ پنجم.
- عسکری، مرتضی (۱۳۶۸). نقد متد طبری در تاریخ‌نگاری. کیهان اندیشه، شماره ۲۵.
- کندی، هیو (۱۳۹۲). طبری تاریخ‌نگار مسلمان و شاهکار او. گروه مترجمان؛ به کوشش محمدحسین ساکت. تهران: خانه کتاب.
- محمودی، جلال (۱۳۹۳). روش تاریخ‌نگاری محمد بن جریر طبری (پیوند تاریخ و حدیث). مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، شماره ۳۸، ص ۳۲-۴۲.
- مسعودی، ابوالحسن (۱۳۷۴). مروج الذهب و معادن الجواهر. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱.
- مولانا، حمید (۱۳۷۵). رسانه‌ها و انگاره‌سازی. ترجمه غلامرضا تاجیک. رسانه، ۸(۲)، ص ۱۰-۱۷.
- نعمانی، شبلی؛ الندوی، سید سلیمان (۱۹۱۷ م). دائرة المعارف فی سيرة النبی. بی‌تا.

واقدی، محمد بن عمر (بی‌تا). *المغازی*. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ج ۱.

Bennett, C. (1998). *In search of Muhammad*. London: Cassell Academic.

Muir, W. (1858). *Life of Mahomet*. London: Smith.

Wāqidi, M. (1856). *History of Muhammad's campaignings*. Edited by A.V. Kermer. Alexandria: Baptist Mission Press.

